



بررسی میزان خشونت خانگی و ارتباط آن با افسردگی در زنان

سکینه طاهرخانی^۱، ماندانا میرمحمدعلی^۲، دکتر انوشیروان کاظم‌نژاد^۳، دکتر محمد اربابی^۴

۱- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - دانشکده پرستاری و مامایی - دانشجوی دوره دکتری تخصصی بهداشت باروری. ۲- دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده پرستاری و مامایی - مربی گروه آموزشی مامایی. ۳- دانشگاه تربیت مدرس - استاد گروه آموزشی آمار زیستی. ۴- دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده پزشکی - استادیار.

چکیده

مقدمه: خشونت خانگی یک اپیدمی رو به رشد جهانی است که می‌تواند منجر به پیامدهای جسمی و روانی فراوانی شود، لذا این مطالعه به منظور تعیین میزان خشونت خانگی و ارتباط آن با افسردگی در زنان مراجعه‌کننده به واحد بهداشت خانواده مراکز بهداشتی درمانی شهر تهران طراحی و اجرا شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه مقطعی می‌باشد که تعداد ۸۱۱ نفر از زنان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بود که از طریق مصاحبه تکمیل گردید، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون آماری کای دو، ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد.

یافته‌ها: میزان خشونت خانگی و افسردگی به ترتیب ۸۸/۳٪ (خشونت جسمی ۲۵/۴٪، خشونت خشونت عاطفی ۸۷/۳٪ و خشونت جنسی ۳۹/۱٪) و ۳۷/۱٪ (افسردگی خفیف ۲۸/۷٪، افسردگی متوسط ۸/۲٪ و افسردگی شدید ۰/۲٪) بود. آزمون آماری کای دو ارتباط معناداری میان هر سه نوع خشونت با وضعیت افسردگی (افسرده و غیر افسرده) نشان داد، در مقایسه با گروه خشونت ندیده نسبت شانس وقوع افسردگی در کسانی که خشونت عاطفی، خشونت جسمی، خشونت جنسی و خشونت را در طی سال گذشته تجربه کرده بودند به ترتیب (۱/۸۵-۵/۳۴۴) CI ۳/۱۴۴، (۲/۲۳۲-۴/۲۸۴) CI ۳/۰۹۲، (۲/۳۲۶-۴/۲۱۴) CI ۳/۱۳۲ و (۲/۰۰۳-۶/۲۸۱) CI ۳/۵۴۷ [با فاصله اطمینان ۹۵٪] بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع بالای خشونت خانگی و افسردگی و وجود ارتباط بین آنها، غربالگری روتین زنان از لحاظ مواجهه با خشونت خانگی و هم‌چنین افسردگی از طریق برنامه‌ریزی‌های مناسب توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، افسردگی، خشونت علیه زنان.

شماره پوستر: ۱۱۷